

نقش متغیر بین الملل در پژوهش‌های تاریخی

۱۰ آذر ۱۳۹۹ ساعت ۲۱:۵۹

جواد حق‌گو عضو هیات علمی دانشگاه تهران در این سخنرانی گفت: به نظر من متغیر بیرونی (نظام بین‌المللی، افراد و شخصیت‌های بین‌المللی و...)، یکی از موضوعات مهمی است که در حوزه پژوهش‌های تاریخی کمتر به آن پرداخته شده است. طبیعتاً نگاه به عرصه بین‌الملل و ادراک نوع نقش‌آفرینی بازیگران و شخصیت‌های بین‌المللی به خصوص قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ معاصر می‌تواند درس‌ها و آموزه‌های قابل توجهی برای تبیین دقیق‌تر تحولات تاریخی در اختیار محققان قرار دهد.

قبل از هر چیز باید اشاره کنم که به نظر من بی‌طرف و خالی‌الذهن بودن آنطور که پوزیتیویست‌ها می‌گویند حرف چندان دقیقی نیست و لاقلاً در حوزه علوم انسانی و اجتماعی امکان تحقق ندارد. به هر حال وقتی دارید مثلاً جشنواره‌ای را برگزار می‌کنید یک‌سری اهداف مشخص را دنبال می‌کنید. اینکه انسان، بی‌طرف باشد و چندان تحت تأثیر آرا و افکار و مطالعات خودش نباشد، به نظرم چندان حرف دقیقی نیست و می‌توانم بگویم که شدنی نیست. اینها حرف‌هایی است که ذیل رویکردهای معرفت‌شناسانه علم‌گرایانه افراطی و پوزیتیویستی مطرح می‌شوند که به نظرم چندان امکان وقوع ندارند. بر همین اساس به هر حال من که متخصص حوزه روابط بین‌الملل هستم معمولاً موضوعات و مسائل تاریخی را از منظر متغیرهای بیرونی ادراک می‌کنم. با توجه به اینکه بعد بیرونی مطالعات تاریخی یکی از مسائلی است که در تمام این سال‌ها عمدتاً مغفول واقع شده ورود به این فضا برای شخص من جذاب است. اگر پژوهش‌های تاریخی موجود را نگاه کنید عمدتاً تمرکز روی متغیرهای داخلی بوده است. از همین منظر با توجه به مطالعات و علایق شخصی وارد حوزه مسائل تاریخی با ابعاد بین‌المللی شدم. حتی آخرین کتابی که از بنده توسط پژوهشکده تاریخ معاصر با عنوان «تکاپوی انگلستان برای تجزیه ایران» منتشر شده، کاری است در پیوند روابط بین‌الملل و تاریخ معاصر درباره تلاش‌های انگلستان برای تجزیه ایران طی سال‌های واپسین جنگ جهانی دوم. می‌دانیم که یکی از اصلی‌ترین بازیگران عرصه سیاست ایران قبل از انقلاب تا همین امروز که در تحولات داخلی کشور ما نقش منفی ایفا کرده دولت انگلستان بوده و اثری هم که از بنده منتشر شده ناظر به همین بحث است. بدیهی است که بررسی این موضوعات می‌تواند آموزه‌های خوبی برای پژوهشگران و سیاستمداران به ارمغان بیاورد. به نظر من یکی از بحث‌هایی که در حوزه مطالعات تاریخی کمتر به آن پرداخته شده بحث‌های بین‌المللی است. طبیعتاً نگاه به عرصه بین‌الملل و نوع نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در تاریخ معاصر می‌تواند درس‌ها و آموزه‌های قابل توجهی را برای شرایط امروز ایجاد کند. این مسئله چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته و پژوهش‌ها عمدتاً به سمت حوزه داخلی و بحث‌های صرفاً درونی رفته است.

اخیراً کتابی با عنوان «تالیران» نوشته یوگنی ویکتوریوویچ تارله (Tarle Viktorovich Yevgeny) (۱۹۵۵-۱۸۷۴) از نویسندگان

مشهور روس را مطالعه کردم. غیر از این کتاب جذاب رمانی سیاسی جذابی با عنوان «شوروی ضد شوروی»، نوشته ولادیمیر واینوویچ (Voinovich Nikolayevich Vladimir) (۱۹۳۲-۲۰۱۸) از منتقدین به حکومت شوروی را مطالعه کردم که البته صرفاً رمان نیست. به نظر من این کتابی است که مباحث خوبی را مطرح می‌کند. کتاب دیگری که در سال‌های اخیر بسیار مطرح شد و از منظری تاریخی درباره روابط بین‌الملل بحث می‌کند، کتاب معروف «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» نوشته دیوید فرامکین (Fromkin Henry David) (۱۹۳۲-۲۰۱۷) است درباره تجزیه امپراتوری عثمانی و تحولات جنگ جهانی اول و اینکه چگونه بعد از جنگ با دنیای جدیدی رو به رو شدیم و سرنوشت کشورهای اسلامی به کدام سمت رفت.

با مطالعه این آثار می‌بینید که وقتی پژوهش‌های بین‌المللی را دنبال می‌کنید فهم تحولات تاریخی کشور خودتان نیز بسیار دقیقتر صورت می‌گیرد. مثلاً اگر کسی تالیران را بشناسد و نوع کنشگری او در کنگره وین و سالهای قبل از کنگره در لایه جنگ‌های ناپلئون را ادراک نماید خیلی دقیقتر میتواند موضوعات مربوط به ایران که به نوعی به منافع فرانسه هم پیوند خورده ادراک نماید. این موضوع امری قطعی است و تردیدی نباید در آن داشت.

از همین منظر شخصیت‌های زیادی اخیراً ذهن مرا درگیر کرده است. یکی از این شخصیت‌ها که بسیار برای جالب است و توأمان نگاه‌های مثبت و منفی نسبت به او وجود دارد، همین تالیران (Périgord-Talleyrand de Maurice-Charles) (۱۷۵۴-۱۸۳۸) است. او نماینده دولت فرانسه در کنگره وین، وزیر خارجه در دوره ناپلئون (Bonaparte Napoleon) (۱۷۶۹-۱۸۲۱) بود. در همان بازه زمانی حیات تالیران صدر اعظم اتریش، مترنیک (Metternich von Klemens) (۱۷۷۳-۱۸۵۹) از کسانی است که شناختش حتماً باعث فهم بهتر موضوعات تاریخی میشود.

از طرف یک پژوهشگر غیرایرانی هم میتوانیم این اهمیت را ادراک نماییم. مثلاً ببیند شناخت سید جمال‌الدین اسدآبادی حتماً میتواند فهم موضوعات مربوط به تاریخ انگلستان را به ویژه نقش آفرینی انگلستان در ممالک اسلامی را تسهیل نماید. به هر حال ایشان شخصیتی بین‌المللی بوده است و در بسیاری از موضوعات در عدم کامیابی سیاستهای استعماری انگلستان در ممالک اسلامی نقشی اساسی ایفا نموده است. کافی است برخی از نامه نگاری‌های سید جمال با ملکه انگلستان را مطالعه نمایید.

سخن پایانی آنکه در پژوهش‌های تاریخی به همان میزان که تمرکز صرف بر متغیرهای داخلی تقلیل‌گرایانه است، تمرکز صرف به متغیرهای بیرونی هم ناکافی است. بر همین مبنا نگاه همزمان به دو متغیر درونی و بیرونی امکان ادراک دقیق تحولات و شخصیت‌های تاریخی را فراهم می‌آورد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/interview/۴۸۶۵۵/نقش-متغیر-الملل-بین-متغیر-نقش>